

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۸/۰۲/۲۷

احسان لمر

نهضت مشروطیت سوم:

مؤسس نهضت ملی مترقی

«جوانان بیدار»

«وینس حلمیان»

روانشاد محمدرسول پشتون



روانشاد محمدرسول پشتون فرزند مرحوم حاجی خدا یار خان نماینده و بزرگ عشیره بارک زایی (شخصی که با همراهی ریش سفیدان دیگر قندهاری از عملی شدن دسیسه (شهید کوچک) پیدا شدن جسد طفل خورد سال هموطنان تشیع قندهار در منزل اهل سنت که یکی از توطئه فتنه انگیز انگلیسیها بود جلوگیری به عمل آوردند). نواسه مرحوم الله یار خان (شهید جنگ میوند) و نبیره سردار عبدالله خان بارک زایی مشهور به «لوی خان» می باشند. به حواله

د پانو شمیره: له ۱ تر ۸

maqalat@afghan-german.de افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

ریش سپیدان و بزرگان منطقه، سردار عبدالله خان بارک زایی در زمان احمدشاه بابا در جنگ پانی پت به مقام شهادت رسیده و تنها "سر" این مرحوم به قندهار آورده شده و در "غندی منصور" دفن گردیده است. پشتون در اوایل میزان سال ۱۲۷۹ هجری شمسی مصادف با اواخر ماه سپتمبر ۱۹۰۰ میلادی و در قریه ای منصور «منصور غندی» که در سی کیلومتری جنوب شهر قندهار موقعیت دارد، در یک خانواده با رسوخ متولد گردیده تحصیلات ابتدایی را نزد والدینش و علمای شهر قندهار فرا گرفت. در فلسفه، حقوق، اصول شرعی، فقه و علوم سیاسی صاحب مطالعه عمیق و طرفدار سرسخت حاکمیت ملی، قانونیت و عدالت اجتماعی، دموکراسی واقعی و نظام شاهی مشروطه بودند وی شخص مؤمن، وطنپرست و مردم دار بود و تا آخرین لحظات زندگی بر ضد خرافات مبارزه نمود.

پشتون بعضاً به اشعار و نظم هم پناه میبرد. او با داشتن یک حافظه قوی تحت مراقبت مادرش توانست تا در سن شش سالگی در حدود پنج هزار قطعه اشعار پشتو و دری را حفظ کنند. اشعار را چنان زیبا و دلپذیر قرائت میکرد که اکثراً به دربار نایب الحکومگی قندهار به حضور نایب الحکومه سردار محمد عثمان مشرقی که وی هم شاعر خوبی بود، به معیت والد بزرگش دعوت گردیده و شعر سرایی میکرد. مرحوم پشتون به تحصیلات خود تحت مراقبت والدینش و بعداً هم تحت نظر علمای شهر قندهار ادامه داده که با قوانین شرع و ایده های علمی اسلامی معرفت تام حاصل و قرآن را هم حفظ نمود.

خان عبدالغفار خان "پاچا خان"، در یک مصاحبه با محمد دین ژواک، روان شاد پشتون را "فخر بارک" نامیده بودند. مرحوم پشتون یکی از علم برداران و پیشانان دوره سوم مشروطه خواهان در افغانستان و بنیانگذار و موسس نهضت های "میثاق"، "ویش خلمی یا جوان بیدار" قبل از سال ۱۳۰۷ شمسی و "افغان ورور گلو" ۱۳۴۴ شمسی بودند. پشتون از ایام جوانی تا دم مرگ بر ضد خرافات، برای حقوق و آزادی مردم جنگید و مبارزه نموده و به همین "جرم" یازده سال حبس سیاسی را هم متقبل شد.

وظایف رسمی:

- ۱- کدنگ مشر در عصر اعلیحضرت امان الله خان در غند جدیدالتاسیس (انشا).
- ۲- علاقه دار ارغنداب قلات، نوزاد، شورابک و خاکریز قندهار ۱۳۰۶ - ۱۳۱۰ش؛ (۱۹۲۷ - ۱۹۳۱م) (بعد از شورش سقوی)
- ۳- با ترفیع رتبوی حاکم اجرستان، سرحدار سپین بولدک ۱۳۱۱ش (۱۹۳۲م).
- ۴- منشی تحریرات شرکت ملی پشتون ۱۳۱۲ش (۱۹۳۳).
- ۵- کدنگ مشر و قوماندان امنیه ولایت فراه ۱۳۱۷ش (۱۹۳۸). (به رتبه پنج).
- ۶- سر مامور پولیس کندهار ۱۳۱۸ش (۱۹۳۹).
- ۷- مدیر تهیه مصالح وزارت اقتصاد، رئیس ترانسپورت، رئیس تعمیرات و مدیر ارزاق در پلخمری ۱۳۱۹ - ۱۳۲۱ش (۱۹۴۰ - ۱۹۴۲م)
- ۸- معاون مدیریت فنی فابریکه جبل السراج ۱۳۲۳ش (۱۹۴۴).
- ۹- رئیس تفتیش پلخمری ۱۳۲۳ش (۱۹۴۴).
- ۱۰- مدیر تفتیش و نماینده مستقل شرکت میوه کندهار در خارج از کشور ۱۳۲۴ش (۱۹۴۵).
- ۱۱- رئیس افغان فروت اجنسی در بلوچستان ۱۳۲۵ش (۱۹۴۶).
- ۱۱- رئیس حمل و نقل ملی ۱۳۲۹ش (۱۹۵۰م).
- ۱۲- مدیر عمومی انحصارات دولتی در کابل و بغلان ۱۳۳۰ش (۱۹۵۱).
- ۱۳- محبوس سیاسی در بغلان ۱۳۳۱ - ۱۳۴۲ش (۱۹۵۲ - ۱۹۶۳م).
- ۱۴- مدیر انحصارات کندز ۱۳۴۳ش (۱۹۶۴).
- ۱۵- مفتش ریاست انحصارات مرکز ۱۳۴۴ش (۱۹۶۵).
- ۱۶- کاندید دور دوازدهم شورای ملی ۱۳۴۴ش (۱۹۶۵).
- ۱۷- مدیر انحصارات کندز ۱۳۴۴ش.



پشتون در لباس کدنگ مشر و قوماندان امنیه فراه

زندگی سیاسی:

موجودیت مفکوره یک نهضت رستاخیز مترقی نشنلیستی قبل از شروع اغتشاش سقوی در پشتون موجود بود. بدین ارتباط وی طی یک یادداشتی "شرح حال" یا (اتو بیوگرافی) خود که به مرحوم استاد عبدالحی حبیبی سپرده بود، چنین مینگارد:

"ریشه تحریک من قبل از سال ۱۳۰۷ش (۱۹۲۸). در کندهار موجود بوده و زمان وضع مقررات و کار سازماندهی آن در حدود ده روز قبل از اغتشاش سقوی یعنی اخیر سال ۱۳۰۷ ه.ش. خواهد بود. من مرام مشروطه خواهی و تشکیل اتحادیه ای را به رفقای خود پیشنهاد کردم که مورد تصویب قرار گرفت. از جمله متحدین من محمد رفیق



کابل - ۱۹۵۰ - تظاهرات جوانان بيدار به طرفداري غلام حسن خان صافي.
 با تشکرات قلمی از فامیل محترم علومی صاحب که این تصویر تاریخی را با ما شریک ساخته اند.

خان، میرزا محمد اعظم ایازی، منشی منظور محمد، محمد کریم سر معلم رشديه، اولیاء الدین خان، معلمان و متعلمان مکتب و غیره بودند. از آن جمله که درست به یاد دارم مسلم نام، شخص مشهوری است که تا هنوز حیات دارد و در کندهار به سر می برد.

محمدرسول خان پښتون در سال ۱۳۱۵ ش (۱۹۳۶) گفتگوهایی را با غلام حسن خان صافی برای استقرار یک نظام شاهی مشروطه به ارتباط حرکت دسته جمعی (تاسیس تشکل سیاسی) شروع نمودند چندی بعد وقتی آن ها در پشاور با هم ملاقات کردند، تصمیم گرفتند تا پښتون در کندهار و صافی در ننگرهار فعالیت را آغاز نمایند، آنها با منورین این دو ولایت به صورت دسته جمعی به این تفاهم رسیدند که به منظور یک نظام شاهی مشروطه و پیاده کردن دموکراسی به صورت عالمانه و عاملانه تحریک مسالمت آمیزی حزبی را تاسیس شروع کنند؛ که دکتور محمودی هم همراه و هم نظر شان بوده در این دو ولایت در مجالس شان شرکت نمود.

در سال ۱۳۲۵ ش (۱۹۴۶ م). دوره دهشت اختناق و استبدادی صدراعظم محمد هاشم خان به پایان رسیده او مستعفی و برادرش شاه محمود خان به حیث صدراعظم برگزیده شد. صدراعظم شاه محمود خان از ترس اینکه مبدا ملت افغان بر ضد استبداد نظام خود کامه و مطلقه تحت عنوان یک عمل نهایی دست به قیام عمومی زند، جهت خود را در امور مملکت تغییر داده و به منظور استمالت و همدردی، زندانها را از وجود محبوسین سیاسی خالی نمود و در عین زمان از یک سو زمره یک دموکراسی را شروع و از سوی دیگر وعده یک سلسله اصلاحات را داد و نشرات آزاد و انتخابات آزاد را برای شاروالی ها و دوره هفتم شورا قبول نمود. بدین منوال در ۱۳۲۵ ش (۱۹۴۷ م). رسالت تاریخی و مکلفیت ملی جوانان بيدار (وېش ځلمیان) بطور اقتراحي (در خواستن آرزو کردن - پرسیدن - بی اندیشه سخن گفتن) مطرح و خواهان نظر منورین و دانشمندان آن زمان گردید. همان بود که چهل و سه تن دانشمندان، منورین، صاحبان قلم و نظر چنین ابراز نظر نمود که جوانان بيدار مظهر قدرت ملت افغان و پیشتاز یک تحریک دسته جمعی ملی و اجتماعی بوده و مکلفیت و مسوولیت دارد تا بدون وقفه داخل میدان سیاست و زندگی اجتماعی گردد. به همین اساس محمدرسول پښتون به همنوایی جوانان بيدار دیگر علنا یک تحریک مجموعی مسالمت آمیزی را بمنظور اسقرار یک نظام شاهی مشروطه و دموکراسی واقعی تحت یک خط مشی منطقی و معقول شروع نمود. اشخاص ذیل موسسین و رهبران عمده ی حزب را در کابل، قندهار و ننگرهار تشکیل می دادند: محمد رسول پښتون، غلام حسن خان صافی، استاد گل پاچا الفت، سید شمس الدین مجروح، عبدالروف بینوا، علامه عبدالحی حبیبی، علامه عبدالشکور رشاد، فیض محمد انگار، ارسلان سلیمی، عبدالعزیز خاوری، محمد موسی شفیق، استاد قیام الدین خادم، حاکم ناصر خان مومند، غلام محمد خان پوپل، آغا محمد کرزی، محمد طاهر خان صافی، نیک محمد پکتیانی، محمد ابراهیم خواخوږی، انور خان اخکزی، قاضی عبدالصمد، نور محمد قاضی خیل، فتح محمد خټک، صوفی ولی محمد، غلام دستگیر خان پوپل، استاد رشتین، عبدالخالق واسعی، محمد علی خان هوتک، نور احمد

شاکر، عبدالرزاق فراهی، محمد حسن ریدی، خدای دوست خان، محمد نور علم خان، گل شاه خان صافی، ظهور اله همدرد، مولوی عبیداله صافی، محمد علم بخرکی، دکتر نور احمد بریخ، عبدالصمد ویسا، غلام محی الدین زرمالوال، وکیل نور محمد خان، محمد رفیق ناصری، عبدالمنان دردمند، دکتر عبدالرحمن محمودی، عبدالهادی خان بحر، محمد اصف پاس یوسفی، قاضی بهرام اخگری، عبدالسلام بارکزی، حاجی خدای دوست، میرزا پیر محمد، نور محمد تره کی و عده ای دیگر.

ارگان نشراتی حزب اول جریده ی انگار به امتیاز فیض محمد انگار منتشر می شد (تأسیس مارچ ۱۹۵۱ و توقیف در اپریل سال مذکور)، باز جریده ی ولس جای آن را گرفت که از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ به امتیاز گل پاچا الفت انتشار می یافت. بر علاوه در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) عبدالروف بینوا کتابی به نام ویش زلمیان، مرکب از یک عده مقالات اشخاص حزبی و غیر حزبی توسط ریاست پشتو تولنه منتشر ساخته بود. در این کتاب هم روشنفکران ملی و هم نمایندگان دولت (مثلاً عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد وقت) نوشته هایی فرستاده بودند. ۱

به نقل از عبدالهادی توخی و ابراهیم خواخوڑی، گفته می شود که ویش زلمیان در شهر قندهار توسط محمد رسول پشتون، کاکا محمد انور اچکزی، قاضی بهرام، غلام جیلانی الکوزی، عبدالهادی توخی، عبدالصمد کارگر و عبدالخالق واسعی تأسیس شد. ۲ ادعای اینکه نور محمد تره کی مؤسس این حزب است از ریشه نادرست است.

پشتون یک مبارز انحراف ناپذیر و سرسخت نهضت جوانان بیدار بود و این انحراف ناپذیریش سبب آن گردید تا یازده سال و هشت ماه (کوتاه قلفی) را در یک حبس مشقت بار سیاسی به سر برد.

آن عده از رهبران ویش زلمیان که در سال ۱۳۳۱ (اوایل سال ۱۹۵۲) در محابس کابل و قندهار زندانی شدند عبارت بودند از: محمد انور اچکزی، عبدالهادی توخی، غلام جیلانی الکوزی، قاضی بهرام، قاضی عبدالصمد، محمد یوسف مجددی (در محبس کابل)، فیض محمد انگار، محمد علم اچکزی و حاجی محمد حسین هوتکی (در محبس قندهار). محمد رسول پشتون در ولایت بغلان محمد عزیز توخی که جداگانه محبوس گردید.

یک نفر از این ها (خدای دوست خان) در سال هشتم حبس خود در زندان کابل وفات نمود. محمد رسول پشتون، عبدالهادی توخی، قاضی بهرام خان و محمد عزیز توخی تقریباً یازده تا دوازده سال در محبس ماندند. محمد انور اچکزی در سال چهارم از محبس خارج شد. همچنین محمد ابراهیم خان خواخوڑی قبلاً در سال ۱۳۲۹ برای چهار ماه محبوس گردیده بود.

از جمله اعضای حزب ویش زلمیان، صرف دو نفر نور محمد تره کی به عنوان آتشه مطبوعاتی سفارت افغانی به واشنگتن و عبدالرؤف بینوا به سفارت هند تعین شدند؟؟؟

عبدالحی حبیبی که نماینده شورای ملی به پاکستان هجرت کرد. حبیبی در پاکستان نشریه ای را به نام "آزاد افغانستان" منتشر می کرد و در آن از دولت افغانستان و آل یحیی (خانواده ی سلطنتی) انتقاد می نمود.

محمد داوود مومند در نشریه «آئینه افغانستان» که در امریکا مقاله ای نوشته بود تحت عنوان "علم بردار دوره سوم مشروطیت خواهی محمدرسل پشتون". مومند نوشت که: "پشتون به صورت ذاتی و جبلی از شهرت و اقتدار نفرت داشت. پشتون به یکی از رفقای دوره مبارزه اش مرحوم ... که بعداً به مقام های وزارت و سفارت رسید، گفته بود که: شما یک دیپلوم هم ندارید، لیکن من بیست دیپلوم دارم (منظور پشتون صاحب از استعفا نامه های بی شمارش بود) شما در قصر ها زندگی میکنید و من خانه بدوشم. شما ... مگر من تقاعد هم ندارم. شما متلون المزاج هستید، لیکن من در زندگی ام از اصول خویش عدول نکرده و با این اصول یکجا خواهم مُرد..."

وقتی ما از مرد مبارز چون پشتون و مشقات زندان وی سخن میزنیم، بجا است از شیر زن سترگ و فرزانه آنکه دو زجر و مشقت یکی زندانی بودن شوهر و دیگر سر پرستی و تعلیم و تربیت (۵) اولاد را بدوش داشت هم باید سخن بزنیم. شادروان بی بی صاحبه دختر عبدالحق اخوند زاده که جدش مولوی حبیب الله محقق کندهاری است، خواهر خورد استاد عبدالحی حبیبی می باشد. او در دوران پر مشقت زندانی بودن شوهر با دست دوزی و گل دوزی اعاشه و تحصیل پنج فرزند را به عهده گرفت پسر اولی بشیر احمد پشتون بعد از بکلوریا به کمک مادرش شتافت و با شغل معلمی در قندهار آغاز بکار نمود. پسر دومی نذیر احمد پشتون فاکولته انجینری را تمام و بعد به تحصیل در امریکا با حاصل نمودن دوکتورا در انجینری برق ادامه داد که در یکی از پوهنتون های معتبر شهر نیویارک تدریس می نمود. سومین فرزند شان نصیر هنر پشتون محقق و هنرمند و خطاط ورزیده کشور و عضو اکادمی علوم کشور بود و فرزند اخیر ضیا زلمی پشتون از سال سوم فاکولته طب کابل بعد از حوادث شش جدی ۱۳۵۸ مجبور به ترک وطن شده و در یک موسسه تحقیقاتی زبان در واشنگتن دی سی به کار مشغول و دیکشنری بزرگ پشتو-انگلیسی را تکمیل و نشر نمودند. دختر شان پروین پشتون هم در امریکا به سر میبرند. شادروان بی بی صاحبه در اواخر سال ۱۳۶۱ ش (۱۹۸۲م) که هنوز زجر های زندان و کوتاه قلفی های شوهرش را خوب بیاد داشت، پسرش (نصیر هنر پشتون) زندانی شد او که دیگر تحمل آن همه رنج بیشتر را نداشته قلب پر مهر و عطوفتش بایستاد و به حق بیوست فردوس برین جاییش باد. من که سالیان متمادی افتخار دست بوسی این مادر سترگ و فرزانه را داشتم، با صراحت گفته می توانم که در ردیف غازی ادی و زرغونه انا و ملالی قهرمان، وی هم زنی بود با اداره و زحمتکش و کوشا و استوار در مقابل سختی ها و مشکلات روزگار بود. آنچه از این چنین مادران زجر دیده چون زنان خانواده

شهید پرور چرخي(حتی در زندان)، دروازی، چنداولی، غبار، محمودی و... می آموزیم دانش و فهم زنان و مادران آن عصر است که فرزندان افتخار آفرین به جامعه تقدیم نمودند.

آثار:

قسمت زیادی زندگی شخصیت مبارز ملی و اجتماعی محمدرسول خان پشتون در فعالیت های سیاسی و زندانها سپری گردیده است. گرچه عاشق سرسخت تعلیم و تحصیل بود و همیشه در این باره سخن می گفت، اما به نوشتن آثار زیادی وقت پیدا نکرد با آن هم این آثار از ایشان باقی مانده:

- خلاص تاریخچه جوانان بیدار، ناچاپ.
- ترجمه عقاید ابوشکور سالمی به دری، ناچاپ.
- اندیشه ها: حاوی مقالات سیاسی، فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و ده ها وجایز، ناچاپ.
- تلخیص تاریخچه جهان، ناچاپ.
- تلخیصات در شش جلد.
- رساله نهضت نسوان عصر امانی.
- مالیخولیای من: ناچاپ. این کتاب نمایانگر افکار فلسفی مرحوم پشتون صاحب بود که به امر رییس وقت مطبوعه ملی بدون کدام دلیل! از چاپ باز ماند و برای مدتی مفقود گردید. چند روز بعد از وفات پشتون نسخه اصلی این کتاب یکجا با کتابهای مهم دیگر و نوشته ها و اسناد در طی یک تلاشی نیمه شب از منزل مرحوم پشتون در (۱۹۸۲ م) توسط خاد برده شده و برای همیشه مفقودالاثر گردیدند.
- پشتون صاحب علاقه مند بیحد مطالعه بودند و همیشه در دوران مطالعه، تفکرات، تبصره ها و نقدهای خویش را در کتابچه های کوچکی می نوشت. مجموعه بزرگی این کتابچه ها که طی سالهای متمادی جمع آوری گردیده بودند، نیز در همان جمع برده شد.
- مقالات، نثر و اشعار متعدد در مجله کابل، انگار، طلوع افغان، کاروان، افغان ملت و جراید دیگر چاپ و به نشر رسیده اند.



مرحوم پشتون به عمر هشتاد دو سالگی در شهر کابل داعی اجل را لبیک گفته و در شهدای صالحین کابل دفن گردید. نیشته پوهاند عبدالشکور رشاد که بر سنگ قبر شان حک شده چنین است:

”انا لله و انا الیه راجعون اینجا محتاج دعای شما محمدرسول پشتون فرزند حاجی خدا یار خان بارک زایی مدفون است.

او در سال (۱۳۱۸ هـ ق ۱۲۷۹ ش. ۱۹۰۰ م.) در کندهار متولد گردیده و به تاریخ سیزدهم رمضان المبارک در (۱۴۰۲ هـ ق؛ ۱۳ سرطان ۱۳۶۱ ش. چهارم جولای ۱۹۸۲ م.) در کابل به حق رسید. اللهم اجزنه بما صبر جنته و حریرا“

پشتون در زندان بغلان

در تاریخ نوین افغانستان — تالیف یووید گانکوفسکی و مسکو موسیل، مترجمین: دکتر ابراهیم عثمان، دکتر قربان بابایوف، جمراد جمشید - دپارتمنت تاریخ نوین افغانستان، پوهنځی تاریخ و فلسفه، پوهنتون کابل، چاپ مطبوعه پوهنتون. به این ارتباط چنین مینگارد:

"... Dissemination of ideas that reflected the interests of the middle strata, led in 1947 to the emergence of political organization "Vish zalmiyan" ("Awakened Youth"). It was quite colorful in its social composition movement. The number of participants does not exceed 100 persons. Inbourgeoisie, the bureaucracy, the intelligentsia, and the clergy. At the head was a small landowner from Kandahar Muhammad Rasul Khan Pashtun." its ranks were the petty

انتشار ایده ها و مفکوره های که نمایانگر منافع طبقه متوسط بود در سال ۱۹۴۷ منجر به ظهور یک سازمان سیاسی به نام جوانان بیدار گردید که در ساختار حرکت اجتماعی خود خیلی متنوع بود. اعضای شان که بیش از صد نفر

نبوده متشکل از شخصیت های بورژوا، بیروکرات، روشنفکران و روحانیون بود. رهبری این سازمان را یک زمیندار کوچک از قندهار به نام محمدرسول پشتون به دوش داشت.

سه نمونه از اشعار محمد رسول پشتون، اولی و سومی خطاطی و دیزاین میناتور فرزندش محمد نصیر هنر پشتون:



هم بحر هم طوفان يم

نه پوهېږم چې انسان يم که ملکه که پېریان يم
په جلي قلم ليکلی پر خلقت باندې عنوان يم
يا چمن يمه شين سوی يا خزان يمه پرېوتی
يا وږمه يمه د گلو يا په خپله گلستان يم
يا د يار د مخ آئينه يم يا په خپله جانانه يم
د هر گوښې ننداره يم په ډولو ډولو عيان يم
نه هغه يم نه دغه هسي خوشي بهانه يم
گورئ څه يم لا به څه سم چې د ټولو داستان يم
نه سور گل يم غوړېدلی نه نسيم يم الوتلی
چې په بوی باندې يې پاييم د هغه باغ باغبان يم
نه ډېوه يمه لگېږم نه پتن يم چې کړېږم
د آشنا د مخ شغله يم پرېوتلی پر جهان يم
نه هنداره د ښايست يم نه په خپله نماينت يم
يو تعمير يمه جوړ سوی چې د بله څخه بيان يم
چې په غشو يې د سترگو زخمي کړی يم د درکو
دهغو وينو سېلاب يم چې هم بحر هم طوفان يم



مآخذ:

تمامی این مقاله از دستنویس ها خود شادروان پشتون و یاد داشته های فامیل محترم پشتون روی کاغذ آورده شده است.

- ۱ - میر غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم - صفحات ۲۴۰ - ۲۳۹.
- ۲ - دستگیر پنجشیری - ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ص ۱۱۴.

پایان